



فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای

سال ۱۰، شماره پیاپی ۳۷، بهار ۱۳۹۹

شاپای چاپی: ۶۷۳۵-۲۲۵۱ - شاپای الکترونیکی: ۷۰۵۱-۲۴۲۳

<http://jzpm.miau.ac.ir>

مقاله پژوهشی

سنجش میزان تحرک اجتماعی مهاجرین روستا- شهری و ارتباط آن با سرمایه اجتماعی (مورد مطالعه: مهاجرین شهرهای یاسوج و مادوان)

اصغر میرفردی؛ دانشیار بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

آرمان حیدری: استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

مصطفی امینی خو: دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۱۰

صص ۱۴۰-۱۲۳

دریافت: ۱۳۹۷/۵/۲۰

چکیده

مهاجران با داشتن انتظار بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی از سکونت‌گاه اصلی خود به مناطق دیگر مهاجرت می‌کنند. تحرک اجتماعی مهاجران در مکان مقصد از موضوعات مهم در مباحث مهاجرتی و قشربندی اجتماعی است. در این پژوهش وضعیت تحرک اجتماعی مهاجرین روستا- شهری، وارد شده به شهرهای یاسوج و مادوان در ۵ سال اخیر با توجه به متغیر سرمایه اجتماعی و متغیرهای جمعیت شناختی چون سن و تحصیلات، مورد مطالعه قرار گرفت. از روش پیمایشی و برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. بر اساس جدول نمونه‌گیری کرجسی و مورگان حجم نمونه ۳۶۴ نفر محاسبه شده است. نمونه‌های مورد مطالعه به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای و گلوله‌برفی انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. جهت سنجش اعتبار از اعتبار صوری استفاده گردید. برای شناخت میزان انسجام درونی (پایایی) گویه‌های متغیر مستقل و وابسته از آلفای کرونباخ شده است که مقدار آلفا برای متغیر سرمایه اجتماعی ۰/۹۰ و برای متغیر تحرک اجتماعی ۰/۸۸ بدست آمد. برای تحلیل داده‌ها، از آماره‌های رگرسیون چند متغیره، ضریب همبستگی پیرسون و آنوا در محیط نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد میزان تحرک اجتماعی با متغیر سرمایه اجتماعی مهاجرین روستا - شهری رابطه مثبت معنادار دارد و با توجه به سطح تحصیلات آنها دارای تفاوت معنادار است، اما بین تحرک اجتماعی و سن مهاجرین روستا شهری رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد. متغیرهای سرمایه اجتماعی، سطح تحصیلات و سن به عنوان متغیرهای مستقل توانسته‌اند ۲۶/۱ درصد از تحرک اجتماعی مهاجرین روستا - شهری را پیش‌بینی کنند. نتیجه اینکه مهاجران روستا- شهری به ویژه مهاجران جوان با سرمایه اجتماعی و تحصیلات بالا از تحرک اجتماعی عمودی صعودی بیشتری برخوردارند.

واژه‌های کلیدی: تحرک اجتماعی، سرمایه اجتماعی، مهاجرت روستا - شهری، یاسوج.

مقدمه:

مهاجرت امروزه به عنوان پدیده‌ای مهم در توزیع و ترکیب جمعیت در مناطق مختلف شناخته می‌شود. مهاجرت به ویژه مهاجرت روستا- شهری یکی از عوامل رشد جمعیت شهری است و این میزان در کشورهای در حال توسعه بیش از کشورهای توسعه یافته است. بر پایه برخی مطالعات، میزان مهاجرت‌های روستا- شهری در هر کانون منطقه‌ای رابطه معکوسی با سطح توسعه یافتگی آن منطقه یا کشور دارد (Jamshidi et al., 2019). منظور از تحرک اجتماعی، جابجایی افراد یا خانواده‌ها از یک منزلت یا طبقه به منزلت یا طبقه اجتماعی دیگر است (Azdanloo, 2007: 176) که می‌تواند به شکل افقی و عمودی و یا درون نسلی و بین نسلی باشد. مطالعه درباره تحرک اجتماعی به دلایل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و گسترده بودن دامنه آن در زندگی روزمره اکثریت جامعه، از ابتدای شکل‌گیری جامعه‌شناسی، به عنوان دانشی تجربی، به‌ویژه از نیمه دوم قرن بیستم مطرح بوده است. تحرک اجتماعی امروزه یکی از موضوعات مهم مطالعات قشربندی اجتماعی است (Tumin, 1984). سوروکین به عنوان یکی از پیشگامان اصلی نظریه‌پردازی پیرامون تحرک اجتماعی شناخته می‌شود (Nichgozar, 1990: 398). بحث تحرک اجتماعی امروزه، به یکی از اساسی‌ترین مسائل جوامع تبدیل شده است. جامعه‌شناسان به دلایل زیر به مبحث تحرک علاقه‌مندند: نقش نرخ تحرک اجتماعی در میزان انسجام طبقاتی و پیوستگی میان اعضای یک طبقه اجتماعی، شناخت شیوه بروز خشم افراد با تحرک نزولی، رابطه بین میزان تحرک اجتماعی و عدالت، چگونگی دستیابی به یک پایگاه معین اجتماعی، تأثیر داشتن یا نداشتن مالکیت، ثروت، شغل، سبک زندگی مطلوب و مناسب، آموزش یا کسب مهارت، قدرت یا نفوذ، مذهب و منشأ خانوادگی و قومی، در دستیابی به پایگاه یا یک قشر اجتماعی (Malek, 2009: 186). اکنون مهاجرت از روستا به شهر هم در کشورهای صنعتی و هم در کشورهای در حال توسعه از پدیده‌های مهم اجتماعی - جمعیتی محسوب می‌شود؛ این حرکت در کشورهای صنعتی بتدریج از قرن هفدهم آغاز شده، در اوایل قرن بیستم به اوج رسید و پس از آن از شدت افتاد؛ اما در کشورهای در حال توسعه بر اثر برنامه‌های توسعه‌ای در مناطق روستایی و شهری، مهاجرت روستا - شهری مراحل آغازین خود را می‌پیماید (Vothoughi, 2005).

جامعه ایران، جامعه پویایی است که ساختار سنتی آن در حال تغییر است و این تغییر همراه با پدیده‌های صنعتی شدن، شهرنشینی و رشد جمعیت، همچنان ادامه دارد. بدون شک در این تغییر و تحولات گسترده و فراگیر، آن‌ها که دسترسی به منابع مختلف اجتماعی داشته‌اند در دستیابی به موقعیت‌های بالاتر در ساخت اجتماعی موفق‌تر بوده‌اند و شاید در اوضاع جدید و تغییر ساختار جامعه، افرادی به طور ناخواسته در موقعیت‌های جدیدی در این ساختار قرار گرفته باشند و مسلماً عده‌ای متضرر شده و دسته‌ای به منابع و منافع جدیدی دست یافته‌اند. همچنین افراد یا گروه‌هایی که برخورداری بیشتری از منابع ارزشمند و کمیاب اجتماعی دارند تلاش در حفظ امتیازات خویش داشته و معمولاً سعی می‌کنند، مانع شریک شدن دیگران در این امتیازات گردند. این امر در مورد، تقریباً تمامی منابع ارزشمند و کمیاب اجتماعی صادق است. چنین کاری، معمولاً با تمرکز ثروت و قدرت و منزلت در دست عده‌ای معدود انجام می‌گیرد. در صورتی که در جامعه‌ای که تحرک اجتماعی از فراوانی زیادی برخوردار باشد؛ متمرکز کردن منابع کمیاب در دست عده‌ای معدود، به‌سختی انجام‌پذیر می‌باشد. در جامعه ایران برای دوران طولانی ثروت و قدرت دست‌به‌دست هم پیش رفته‌اند. در مواردی ثروت، خرید موقعیت اداری را امکان‌پذیر می‌ساخت و دسترسی به قدرت، کسب ثروت را به همراه داشت؛ این رویه از نظر تاریخی ابزاری برای تسهیل تحرک به حساب می‌آمد. در چنین شرایطی با اینکه همیشه امکان تحرک اجتماعی وجود داشته است اما برای طبقات پایین، تحرک، مشکل و دور از دسترس بوده است. به روایت اشرف و بنوعیزی، جامعه ایران بین آغاز دهه ۱۳۰۰ تا پایان دهه ۱۳۵۰، تغییرات مهم و قابل توجهی را در تحرک اجتماعی و تحرک فردی در سراسر هرم طبقاتی جمعیت خود، تجربه نمود. این تغییرات را بدین صورت می‌توان شرح داد: الف: جابجایی بزرگی از کشاورزی به صنعت صورت گرفت که با برنامه صنعتی شدن بطیء رضا شاه آغاز و با سرسختی شتابان در طول سلطنت پسرش، به ویژه در دهه‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ تداوم یافت. در اکثر سطوح کار صنعتی مستلزم آموزش بیشتر و کیفیت فنی، در مقایسه با کشاورزی بود و طبعاً منزلت اجتماعی و فرصت‌های بیشتری برای پیشرفت فراهم می‌نمود. ب: مهاجرت از روستا به شهر پایه دیگری برای تحرک بود. سهم جمعیت شهری که در دهه اول سده چهاردهم

خورشیدی حدوداً ۲۱ تا ۲۲ درصد ثابت مانده بود، در سه دهه بعد افزایش چشمگیری نمود و به ۳۱ درصد در سال ۱۳۳۵، ۳۸ درصد در سال ۱۳۴۵ و ۴۷ درصد در سال ۱۳۵۵ رسید. ج: گسترش سریع دیوان‌سالاری کشوری و لشکری در زمان پهلوی، رشد طبقه متوسط شهری جدید را تشدید کرد. د: در طی دو دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ برنامه اصلاحات ارضی و گسترش بخش‌های صنعتی و خدماتی کمک نمود تا مالکان عمده جای خود را به بورژوازی صنعتی - تجاری و طبقه روشنفکری از متخصصان دیوان‌سالار بدهند. در یک پیمایشی که ۱۸۰۰ سرپرست مرد خانوار در تهران و شیراز در سال ۱۳۶۵ به عمل آمد، این تغییرات به چشم خورد: در تهران ۴۱ درصد پدران این سرپرستان در بخش کشاورزی کار می‌کردند. حدود ۶۱ درصد سرپرستان خانوار در سال ۱۳۶۵ در بخش خدمات اشتغال داشتند در حالی که ۴۰ درصد پدران‌شان در این بخش مشغول بودند (2008: 120: *Ashraf & Banoazizi*) تا سال ۱۳۹۰ خورشیدی میزان مهاجرت به مناطق شهری افزایش یافت (*Iran Statistics Center, 2011*).

استان کهگیلویه و بویراحمد جزو استان‌های جنوب غربی کشور است و در محدوده زاگرس مرکزی قرار دارد. این استان پس از انقلاب با سیر فزاینده شهرنشینی روبرو بوده است. افزون بر آن، میزان مهاجرت روستائیان به مناطق شهری رو به افزایش بوده است. این به دلیل ویژگی‌های اقتصادی و توسعه‌ای از استان‌های مهاجرفرست به استان‌های دیگر بوده است (*Hosseini et al., 2018*). جمعیت شهری این استان نیز در طی دهه‌های گذشته به صورت متوازن توزیع نشده است (*Mirehei et al., 2018*). شهر یاسوج به عنوان مرکز این استان، از جمله شهرهایی است که پس از انقلاب اسلامی به شدت تحت تأثیر سیاست‌های اجرائی دولت قرار گرفته و به ویژه از سال ۱۳۶۵ به بعد جمعیت و مساحت محدوده شهری آن بسیار افزایش یافته است (*Noroozi, 2019*). دو شهر یاسوج و مادوان جزء شهرهای نو پا به حساب می‌آیند که در سالیان اخیر روند مهاجرت فزاینده‌ای را تجربه نموده‌اند. بر اساس داده‌های سرشماری سال ۱۳۹۵ کل کشور در بازه زمانی ۵ سال پیش از سرشماری در استان کهگیلویه و بویراحمد ۵۳،۹۰۸ نفر مهاجر به استان وارد شده‌اند که تعداد ۳۲،۱۷۷ نفر از آنها (حدود ۶۰ درصد کل مهاجرین وارد شده به استان)، به شهرستان بویراحمد وارد شده‌اند (*Iran Statistics Center, 2016*). کانون اصلی ورود این مهاجران شهر یاسوج بوده است. این میزان مهاجران برون استانی در وضعیتی به استان یاد شده و شهر یاسوج وارد شده‌اند، که به استناد منابع آماری این استان از جمله استان‌های مهاجر فرست کشور می‌باشد. مهاجران درون‌استانی بیشتر از مناطق روستائی به مناطق شهری مهاجرت می‌کنند. شهر یاسوج و شهر مادوان از جمله کانون‌های اصلی مهاجران روستائی وارد شده به شهرستان بویراحمد می‌باشند. محلات مهاجرنشین این دو شهر، در زمینه اجتماعی در سالیان با مسائلی روبه رو بوده‌اند. بخش زیادی از جمعیت این مناطق بیکارند و یا در مشاغل غیررسمی و غیرمولد فعالیت دارند. درگیری و نزاع که به شکل طایفه‌ای و با جانبداری محله‌ای انجام می‌شود، از دیگر مشکلات این محله‌های مهاجرنشین است. از آنجائی که مهاجرت نوعی از کنش اجتماعی برای گریز از تنگناها و دافعه‌های مکان مبدأ و رسیدن به جاذبه‌های مکان مقصد است، مهاجران معمولاً انتظار شرایط بهتری را در مقصد مهاجرتی خود دارند. این انتظار به ویژه برای مهاجران روستا-شهری بیشتر نمود و برجستگی دارد. بهبود شرایط زندگی، افزایش درآمد، ارتقاء جایگاه شغلی و اجتماعی و بهره‌گیری از رفاه نسبی در مقایسه با مناطق روستائی از جمله انتظارات مهاجران است. دسترسی به برخی از این موارد، به ویژه تحصیلات بالا، شغل مطلوب و درآمد بالا که به تغییر در پایگاه اقتصادی- اجتماعی بیانجامد، گونه‌ای از تحرک اجتماعی را رقم می‌زند. باوجود سیر فزاینده مهاجرت به شهرهای یاسوج و مادوان، شناختی از وضعیت تحرک اجتماعی مهاجران این شهرها وجود ندارد. این عدم شناخت می‌تواند دشواری‌های را در روند تحلیل اجتماعی این مناطق برای برنامه ریزان و مسئولان اداره این شهرها به وجود آورد. این پژوهش برآن است تا رابطه بین تحرک اجتماعی و سرمایه اجتماعی مهاجرین روستا - شهری ساکن در شهرهای یاسوج و مادوران را مورد تحلیل قرار دهد. در این پژوهش این پرسش‌ها و فرضیه‌های زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند:

- آیا سرمایه اجتماعی با میزان تحرک اجتماعی مهاجران روستا- شهری ساکن در شهرهای یاسوج و مادوران ارتباط معنی‌داری دارد؟

- آیا رابطه معناداری بین سن و تحرک اجتماعی مهاجران روستا- شهری ساکن در شهرهای یاسوج و مادوران ارتباط معنی‌داری دارد؟
- آیا تفاوت معناداری بین تحرک اجتماعی مهاجران روستا- شهری ساکن در شهرهای یاسوج و مادوران با توجه به سطح تحصیلات آنها وجود دارد؟
- بین سرمایه اجتماعی و میزان تحرک اجتماعی سرپرست خانوارهای مهاجرین روستایی وارد شده به شهرهای یاسوج و مادوان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین سن و میزان تحرک اجتماعی سرپرست خانوار مهاجرین روستایی وارد شده به شهرهای یاسوج و مادوان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان تحرک اجتماعی سرپرست خانوار مهاجرین روستایی وارد شده به شهرهای یاسوج و مادوان با توجه به سطح تحصیلات آنها تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

پیشینه تحقیق و مبانی نظری:

در ایران موضوع تحرک اجتماعی در دهه‌های اخیر چه به شکل نظری (Lahsaeizadeh, 1998) و چه در قالب طرح پژوهشی (Ashraf & Banoazizi, 2008, Moghadas & IranMahboub, 2006) مورد توجه پژوهشگران اجتماعی قرار گرفته است. اجتهادی (Ejtehadi, 2007) در مقاله‌ای با عنوان "سرمایه اجتماعی" نوشته است که سرمایه اجتماعی کنشگر، در جامعه سنتی عبارت است از آن رفتارهای تثبیت‌شده یا هنجاری که کنشگر برای پایدار ساختن رابطه خود با دیگران، درونی کرده است؛ و در جامعه نوین دربرگیرنده همه‌ی آن قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی است که کنشگر برای رابطه برقرار کردن با دیگران به آن نیاز دارد و باید به دست آورد. نتایج پژوهش زارع و لطیفی (Zare and Latifi, 2013) در شهر کرمانشاه نشان داده است که در مجموع ۱۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته میزان تحرک اجتماعی توسط متغیرهای مستقل سرمایه اجتماعی خانواده و پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده و تحصیلات فرد تبیین می‌شود. متغیرهای تحصیلات فرد و سرمایه اجتماعی خانواده دارای ضریب مثبت با متغیر وابسته است. پژوهش (Fakhraei and Abdi, 2012) در شهر میاندوآب نشانگر معنادار بودن رابطه بین میزان مهاجرت و سن، وضعیت تأهل، امکانات بهداشتی، آموزشی، رفاهی و فاصله بین شهر و روستا بوده است. پژوهش (Moghadas and Iran Mahboub, 2006) نشان داده‌اند که شهرهای مختلف فارس و بوشهر از نظر طبقات و تحرک اجتماعی تفاوت‌هایی داشته‌اند. در شهری مانند بوشهر جامعه بسته‌تر و در شهری مانند آباده و کازرون جامعه از نظر تحرک اجتماعی بازتر بوده است. نتایج مطالعه (Tayebi Nia, 2009) در شهر تهران نشان داده که رابطه معنی‌داری بین تحرک اجتماعی و پایگاه اجتماعی مهاجران وجود دارد. (Zare and Latifi, 2015) در مطالعه خود پیرامون تحرک اجتماعی بین نسلی در شهر کرمانشاه نشان دادند که متغیر سرمایه فرهنگی دارای ضریب مثبت با متغیر وابسته است و اثر فزاینده‌ای بر تحرک اجتماعی داشته است، در حالی که متغیر تقدیرگرایی دارای ضریب منفی است و اثر کاهنده بر تحرک اجتماعی بین نسلی داشته است. هم‌چنین، بر اساس نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره، در حدود ۱۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته تحقیق توسط متغیرهای مستقل و زمینه‌ای تحقیق توضیح داده شده است.

نتایج مطالعه (Mirehei et al., 2018) درباره الگوی نظام شهری در استان کهگیلویه و بویراحمد نشان داد در بازه‌ی زمانی ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰، استقرار جمعیت در کانون‌های شهری استان به صورت متعادل و همگون توزیع نشده است. شهرهای یاسوج، گچساران و دهدشت در نظام شهری استان تقریباً از مرتبه‌ی ثابتی برخوردار بودند و فاصله‌ی آن‌ها با بقیه‌ی شهرهای استان بسیار است. نخست شهر یاسوج به مرور زمان فاصله خود را با بقیه شهرها زیاد کرده و شبکه‌ی شهری استان به سمت عدم تعادل در جریان است. مطالعه (Mobaraki et al., 2017) در مطالعه وضعیت تحرک اجتماعی در شهر خوی بیانگر میزان بالای بازتولید طبقاتی و بازتولید شغلی می‌باشد، هم‌چنین، تحرک ساختاری، بیانگر میزان بالای تحرک در نسل کنونی از مشاغل کشاورزی به سمت مشاغل دیگر است، که به نوعی نشانگر تاثیر نوسازی در منطقه مورد نظر می‌باشد. نتایج تحقیق بیانگر این

است که بیشترین میزان تحرک چه در سطح شغلی و چه در سطح طبقاتی مربوط به بازتولید شغلی و طبقاتی می‌باشد و این میزان برای تحرک طبقاتی بسیار بالا است. مطالعه (Ghafari, 2017) درباره تحرک اجتماعی میان نسلی در شهر گرگان نشان داد که ۸/۶ درصد پاسخگویان، دارای تحرک میان نسلی نزولی، ۲۴ درصد دارای تحرک میان نسلی افقی و ۶۷/۴ درصد دارای تحرک میان نسلی صعودی بوده‌اند. همچنین بین سرمایه فرهنگی تجسم یافته با تحرک اجتماعی میان نسلی افراد، در سطح ضریب اطمینان بیش از ۹۵ درصد رابطه وجود دارد. یافته‌های مطالعه (Jamshidi et al., 2019) نشان داد که میان توسعه-یافتگی شهرستان‌های استان زنجان و میزان مهاجرت‌های روستا-شهری رابطه معکوس و معناداری وجود دارد، به عبارت دیگر، شهرستان‌هایی که از نظر سطح توسعه در وضعیت پائین قرار داشتند، دارای مهاجرت روستا-شهری بیشتری بوده‌اند.

شناخته شده‌ترین مطالعه در سطح جهان درباره تحرک اجتماعی توسط لیپست و بندیکس انجام شده است و در آن با مطالعه وضعیت تحرک اجتماعی ۹ کشور صنعتی روند تحرک مردان از مشاغل یقه آبی به مشاغل یقه سفید را شناسایی و تحلیل کردند (Cited in Giddens, 1998). فلدینگ و هالفورد (Fielding & Halford, 1993) در مطالعه خود پیرامون تحرک اجتماعی زنان و مردان مهاجر در انگلستان نشان دادند که تحرک اجتماعی مهاجران دارای ساختارهای مکانی خاص و جنسیتی هستند به گونه‌ای که فرصت تحرک عمودی صعودی برای مردان و زنان وجود دارد اما برای مشاغل زنان فرصت تحرک صعودی بیشتری دارند و در بخش بازار مردان از فرصت تحرک صعودی بیشتری در مقایسه با زنان برخوردارند.

شابین (Shubn, 2013) در مقاله‌ای استدلال نمود در حال حاضر شیوه‌ی زندگی سیار، الگوهای مختلف زندگی و کار را ایجاد کرده است که در حال حرکت برای به چالش کشیدن سیاست‌های اجتماعی موجود بوده است. وی با طرح نظریه‌پردازی‌های تحرک و یکپارچه‌سازی اقتصاد و جغرافیا، یک مفهوم گسترده‌تر از یکپارچگی را که در حال تغییر مسیر مهاجرت مهاجران از اروپای غربی بوده است را به رسمیت شناخته است. چوی (Cui, 2015) در مقاله‌ای بیان کرده است که جریان مهاجرت کارکنان ماهر به شهرستان نانجینگ چین، باعث بازسازی اقتصادی و توسعه چشمگیری در آموزش عالی این شهرستان شده است. این مقاله به بررسی اثرات دوره‌ی زندگی و عوامل سازمانی مؤثر بر تحرک مسکونی کارکنان مهاجر ماهر در مقایسه با کارکنان ماهر محلی، با استفاده از یک بررسی گذشته‌نگر در سال ۲۰۱۲ پرداخته است. نتایج نشان داده است که کارکنان مهاجر از نظر تحرک مسکونی یک سطح بالاتر از کارکنان محلی قرار داشته‌اند. تیان و ژو (Tian & Xu, 2015) در مطالعه خود درباره تحرک شغلی کارگران مهاجر در چین دریافتند که از منظر منافع کارکنان دارای مشاغل با دستمزد پایین، حقوق و منافع مشروع کارگران مهاجر نمی‌تواند تحت شرایط زمینه‌های صنعتی و نهادهای اجتماعی موجود تضمین شود. تحت این شرایط کارگران ناچارند برای دستیابی به کار و درآمد بهتر و ارتقاء موقعیت‌شان به جاهای دیگری بروند.

یکی از دیدگاه‌های شناخته شده در زمینه قشربندی اجتماعی، دیدگاه قشربندی کارکردی دیویس و مور است. آنها قشربندی اجتماعی را یک پدیده ضروری می‌دانند و بر این باورند که هیچ جامعه‌ای در جهان بدون نظام قشربندی و طبقات اجتماعی وجود ندارد. آنها قشربندی را نه به افراد بلکه به نظامی از سمّت‌ها در جامعه نسبت می‌دهند (Ritzer, 1995: 123). دیویس و مور با تفکیک سمت‌های پایین و بالا در جامعه از یکدیگر، سمت‌های فرپایه در نظام قشربندی را خوشایندتر و [یا به تعبیری دست‌یافتنی‌تر] ولی کم اهمیت‌تر و نیازمند توانایی کمتر می‌دانند اما سمت‌های بالاتر با اهمیت تر و نیازمند تلاش جدی تری هستند و جامعه هم برای ترغیب نمودن افراد برای رفتن به سمت این دسته از مشاغل بایست پاداش‌های گوناگونی برای آنها فراهم سازد (Ibid.: 126). با توجه به نگاه کارگردگرایان ساختاری چون دیویس و مور، درجات متفاوت اهمیت سمت-ها و تلاش برای دستیابی به آنها نظام سلسله‌مراتب قشربندی اجتماعی را شکل می‌دهد. با این نوع نگاه، وجود طبقات گوناگون به عنوان امری عادی شناخته می‌شود.

لی (Lee, 1966) مهاجرت را تحت تأثیر چهار عامل عمده تبیین می‌کند: عوامل مرتبط با حوزه مبدأ مهاجرت، عوامل مرتبط با حوزه مقصد مهاجرت، موانع موجود در جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد و عوامل شخصی. در مکان مبدأ عوامل بازدارنده و دافعه و در مکان مقصد معمولاً عوامل کششی وجود دارند و افرادی که از مناطق مبدأ گریزان هستند را به سوی

خود می‌کشاند (Cited in Taghavi, 1992: 161). چارنی (Charney, 1993) با تأکید بر اینکه بین مناطق روستایی و شهری از نظر درآمد و سطح رفاه تفاوت وجود دارد، این تفاوت را زمینه اصلی مهاجرت روستائیان به مناطق شهری می‌داند به گونه‌ای که رابطه معناداری بین انگیزه کسب رفاه بیشتر و مهاجرت روستا- شهری وجود دارد. لو (Lu, 1998) استدلال می‌کند که مهاجرت و مکان‌گزینی دوباره، عملی هدفمند و عقلایی است که به صورت خودانگیخته در جهت اصلاح و یا حفظ کیفیت زندگی فرد مهاجر انجام می‌شود. وی دو جنبه عام و کلی را در پیوند با عقلایی شدن مهاجرت بیان نموده است: الف- طرح آگاهانه از پیش طراحی شده مهاجران. ب- انتظار مهاجران از دریافت پیامدهای مثبت مهاجران. سرمایه اجتماعی نیمه دوم قرن بیستم وارد ادبیات نظری و پژوهشی جامعه‌شناسی شد. بوردیو جامعه را شامل میدان‌هایی می‌داند که افراد با سرمایه‌های گوناگون در آنها به رقابت و تعامل با یکدیگر می‌پردازند. بوردیو برای تحلیل سرمایه اجتماعی، نخست انواع مختلف سرمایه شامل سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین را تشریح کرده و سپس مطرح می‌کند سرمایه اجتماعی، شبکه‌ای از روابط فردی و جمعی است که هر فرد یا جمعی در اختیار دارد. این تعریف باعث می‌شود تا نخست فضاهای مفهومی سرمایه اجتماعی محدودتر شود و سپس آن را از سایر سرمایه‌ها، به‌ویژه سرمایه‌های فرهنگی و نمادین جدا کند (Bourdieu, 1984, 2016). بوردیو در تمایز، بر این نکته تأکید می‌ورزد که هر چقدر سرمایه کنشگران بیشتر باشد در فضای اجتماعی، در موقعیت بالاتری قرار می‌گیرند. وی قشربندی اجتماعی را نه برحسب تفاوت رابطه با وسایل تولید بلکه در رابطه با شرایط مختلف هستی آن‌ها، نظام‌های مختلفی از نظم و ترتیب را، که ناشی از مشروط‌سازی افتراقی و بهره‌مندی متفاوت از قدرت و سرمایه است، تعریف می‌کند. در نگاه بوردیو (Bourdieu, 1984)

تحصیلات به عنوان یکی از عناصر سرمایه فرهنگی نهادینه شده نقش مهمی در جامعه دارد. به بیان ساده‌تر، قشربندی از نظر بوردیو با توجه به بهره‌مندی متفاوت از قدرت و یا سرمایه تعریف شده است. بوردیو برای سرمایه چهار شکل را در نظر گرفته است که سرمایه اجتماعی یکی از اشکال این سرمایه‌ها هست. این سرمایه‌ها کنشگران را در مبارزه برای کسب جایگاه در فضای اجتماعی یاری می‌کنند. در نتیجه این سرمایه‌های متفاوت، طبقات متفاوت شکل می‌گیرد. در بحث سرمایه اجتماعی برای ارائه تعریفی جامع از این مفهوم با مرور آثار جامعه‌شناسان مختلف، مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی، تعامل‌های اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و هنجارمندی به‌عنوان مؤلفه‌هایی که در اکثر تعاریف مورد تأکید قرار گرفته است (Mirfardi et al., 2014; Mirfardi and Valinezhad, 2018)، در تحقیق حاضر به‌عنوان مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند. بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و سرمایه‌های اجتماعی برای توانمندی و تحرک اجتماعی در پرتو آموزش و جامعه‌پذیری بیشتر امکان‌پذیر می‌شود. طبق دیدگاه یادگیری، رفتار آموختنی است و فرد می‌تواند رفتار اجتماعی را با کمک فرایند الگوسازی و مشاهده دیگران یاد بگیرد. بر اساس این نظریه، انتخاب الگوهای یادگیری فرد، تحت تأثیر عوامل مختلفی چون سن، جنسیت و موقعیت اجتماعی است. تفاوت در موقعیت اجتماعی از دیگر مؤلفه‌های دیدگاه یادگیری اجتماعی است که می‌تواند برای تبیین میزان تحرک اجتماعی بکار گرفته شود (Salimi and Davari, 2008: 399). به بیان دیگر، هر فرد با فراگرد اجتماعی شدن، هنجارهای گروهی خود را می‌آموزد تا جایی که یک خود مشخص که او را بی‌همتا می‌سازد پدید می‌آید رویکرد جامعه‌پذیری بر پیوند اجتماعی تأکید دارد. خانواده و جامعه دو عامل مهم در ایجاد این پیوند است. در این رویکرد، جایگاه خانواده، آموزش و پرورش، رسانه‌ها و مقوله نظارت اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد (Kazemi, 1996: 105). تحصیلات به عنوان یک سرمایه فرهنگی نهادینه شده (Bourdieu, 2016) می‌تواند به عنوان نمودی از روند جامعه‌پذیری جامعه و متغیر سن به عنوان زمینه تجربه نسلی جامعه‌پذیری در تحلیل اجتماعی مهاجرین بکار گرفته شود.

از مجموع مطالعات و نظریه‌های مرور شده می‌توان به این برداشت دست یافت که مهاجرت روستائیان به مناطق شهری برای دستیابی به شرایط و موقعیت اجتماعی و اقتصادی بهتر انجام می‌شود. مجموعه این انتظارات و اهداف، انتظار تحرک اجتماعی صعودی را نشان می‌دهد. دیدگاه سرمایه اجتماعی بوردیو، دیدگاه لو درباره عقلانی شدن رفتار مهاجران و دیدگاه یادگیری اجتماعی به صورت ترکیبی برای تبیین مسأله این پژوهش بکار گرفته شده‌اند. بر پایه برداشت‌های نظری یاد شده می‌توان تحرک اجتماعی مهاجران روستا- شهری را به عنوان وضعیت مورد انتظار آنها در پیوند با برخی عوامل اجتماعی و

فردی مهم مورد تحلیل قرار داد. سرمایه اجتماعی که در پیوند با ابعاد و عناصر اجتماعی گوناگونی شکل می‌گیرد هم تعامل و ارتباط اجتماعی را در بر دارد و هم زمینه‌ساز رقابت‌های سازنده اقتصادی و اجتماعی در بین اقشار گوناگون است. اگر مهاجرت به عنوان روشی برای دستیابی به موقعیت اقتصادی- اجتماعی بالاتر (تحرک اجتماعی صعودی) دیده شود، می‌توان انتظار داشت میزان سرمایه اجتماعی مهاجران ارتباط معناداری با میزان تحرک اجتماعی مهاجران داشته باشد. شرایط زمینه‌ای و تجربه نسلی (همچون متغیر سن) و ابزارهای اجتماعی شدن انسانها و دستیابی به سرمایه اجتماعی بیشتر (همچون تحصیلات) نیز می‌توانند نقش مهمی در پایگاه اقتصادی- اجتماعی آنها و کردارهای آنها برای ارتقاء پایگاهی‌شان داشته باشند. بر پایه مبانی نظری و ادبیات پژوهش سؤال‌های پژوهشی پیرامون رابطه بین سرمایه اجتماعی، سطح تحصیلات و سن پاسخگویان، از یک سو، و میزان تحرک اجتماعی مهاجران روستا- شهری مطرح و تبیین می‌شوند.

مواد و روش تحقیق:

این پژوهش از نظر هدف و ماهیت تحقیق در رده تحقیقات کاربردی به حساب می‌آید. در این تحقیق، از روش پیمایشی جهت گردآوری اطلاعات مورد نیاز استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر، سرپرستان خانوار (سرپرستانی که دارای سن بالای ۱۸ سال باشند و بتوانند به سؤالات پژوهش پاسخ دهند) مهاجرین روستایی وارد شده به شهرهای یاسوج و مادوان طی ده سال گذشته بوده است که حداقل پنج سال از مهاجرت آن‌ها گذشته باشد. شهر مادوان در حومه و در کنار فرودگاه شهر یاسوج قرار دارد و به آن پیوسته است. شهر مادوان در گذشته بافت روستایی داشت و به سبب مهاجرین روستایی مناطق دیگر به این روستا، تبدیل به شهر شد. در پژوهش حاضر، جهت تعیین حجم نمونه از جدول نمونه‌گیری کرجسی و مورگان (Krejcie & Morgan, 1970) استفاده شده است که طی آن اندازه نمونه متناسب با جامعه آماری ۶۹۴۹ نفری (Iran Statistics Center, 2011) ۳۶۴ نفر محاسبه شده است. مناطق دارای جمعیت عمده مهاجرنشین دو شهر مادوان و یاسوج، به لحاظ عرفی و سازمانی (شهرداری و نهادهای ذیربط) مشخص است. برای دستیابی به نمونه‌هایی که در محلات مهاجرنشین سکونت دارند، از نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای و همچنین برای دستیابی به برخی نمونه‌ها که خارج از مناطق اصلی مهاجران سکونت داشتند، از نمونه‌گیری گلوله برفی و نشانی گرفتن از مهاجران دیگر- آشنایان و بستگان‌شان که به این دو شهر مهاجرت نموده‌اند- استفاده شد.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها:

تحرک اجتماعی: «تحرک اجتماعی به جابجایی افراد از یک پایگاه اجتماعی به پایگاه اجتماعی دیگر اطلاق می‌شود. افراد ممکن است که از لحاظ طبقه اجتماعی، به سمت بالا تحرک داشته باشند یا به سمت پایین، یا در همان سطح بمانند، ولی شغل دیگری اختیار کنند» (Cohen, 2007: 317). تحرک می‌توان به صورت عمودی و یا افقی باشد. و تحرک عمودی به دو دسته عمودی صعودی و عمودی نزولی تقسیم می‌شود. تحرک به سمت بالا به عنوان تحرک عمودی صعودی، تحرک به سمت پایین به عنوان تحرک عمودی نزولی و تحرک در همان وضعیت طبقاتی (از یک شغل به شغل دیگر در همان سطح) به عنوان تحرک افقی شناخته می‌شود (Mohseni, 1997: 201-202). برای سنجش میزان تحرک اجتماعی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. پرسشنامه سنجش تحرک اجتماعی: دارای ۲۱ گویه می‌باشد که جهت سنجش متغیر تحرک اجتماعی از سنجه‌های کاهش یافته/ ضعیف‌تر شده، تغییری نکرده، افزایش یافته/ بهتر شده بر اساس مقیاس رتبه‌ای استفاده شده است. همچنین برای تکمیل‌تر شدن اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه عینی‌تری با پنج گویه و سنجه‌های قبل از مهاجرت و بعد از مهاجرت با مقیاس فاصله‌ای استفاده شده است. اطلاعات به دست آمده از این پنج سنجه بر حسب وضعیت تغییر به سه دسته نزولی، بدون تحرک و صعودی تقسیم شده‌اند. در وضعیت تحرک اجتماعی نزولی، میزان پایگاه اجتماعی افراد در مقایسه با زمان پیش از مهاجرت به سطح پایین‌تر فرو کاسته شده است. در وضعیت بدون تحرک اجتماعی، تغییری در پایگاه اجتماعی افراد ایجاد نشده و در وضعیت تحرک اجتماعی صعودی، در تحرک صعودی، مهاجران از پایگاه اجتماعی بالاتری نسبت به زمان پیش از مهاجرت برخوردار شده‌اند. سرمایه اجتماعی: در نگاه بورديو، سرمایه اجتماعی عبارت است از: سرمایه ارتباطات اجتماعی که در

صورت لزوم، حمایت های مفید را ایجاد می کند. سرمایه ای از مقبولیت و احترام که غالباً زمانی که شخص می خواهد توجه مردم را در یک موقعیت اجتماعی مهم جلب نماید ضروری است و شاید مانند پول در حرفه سیاسی به کار آید (Bourdieu, 2016). این متغیر با مقیاس رتبه‌ای و گویه‌هایی با دامنه پنج گزینه‌ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است. متغیر سرمایه اجتماعی دارای شش بعد تعامل اجتماعی (۵ گویه)، انسجام اجتماعی (۵ گویه)، اعتماد تعمیم‌یافته (۸ گویه)، مشارکت اجتماعی (۶ گویه)، اعتماد بین شخصی (۵ گویه) و هنجارمندی (۵ گویه)، می‌باشد (Mirfardi and Valinezhad, 2018) (میرفردی و ولی‌نژاد، ۱۳۹۷). اطلاعات به‌دست‌آمده از پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار *spss* و با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جهت سنجش اعتبار پرسشنامه از اعتبار صوری و برای ارزیابی پایایی آن از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. نتایج ارزیابی پایایی متغیرهای اصلی تحقیق در جدول زیر آمده است.

جدول ۱- مقدار آلفای کرونباخ متغیرهای تحرک اجتماعی و سرمایه اجتماعی

متغیرها	تعداد گویه	ضریب آلفای پیش‌آزمون	ضریب آلفای کلی
تحرک اجتماعی	۱۶	۰/۸۸۴	۰/۸۸
سرمایه اجتماعی	۳۴	۰/۸۹۳	۰/۹۰

(منبع: محاسبات نویسنده‌گان، ۱۳۹۷).

بحث و یافته‌های تحقیق:

محدوده سنی پاسخگویان از ۲۳ تا ۹۳ سال بوده است؛ میانگین سنی آنها ۴۱/۴۲ سال و انحراف معیار آن نیز ۱۰/۴۵ سال بوده است که نشانگر جوان بودن نسبی سرپرست خانوارهای مهاجرت کننده به شهرهای مورد مطالعه است. این میانگین سنی، در دامنه گروه سنی جمعیت فعال (۱۵ تا ۶۴ سال) است و نشان می‌دهد بخش زیادی از مهاجران مورد مطالعه در سن فعالیت قرار دارند. پاسخگویان با سطح تحصیلات کارشناسی، کاردانی و متوسطه بالاترین میزان و پاسخگویان با سطح تحصیلات راهنمایی کمترین میزان از پاسخگویان را به خود اختصاص داده‌اند. کمترین میزان از پاسخگویان (۸/۸ درصد) دارای تحرک اجتماعی نزولی بودند و بیشترین میزان از آنها (۶۵/۹ درصد) بدون تحرک اجتماعی بودند، ۲۵/۳ درصد از آنها نیز دارای تحرک اجتماعی صعودی بوده‌اند. به بیان دیگر، بخش زیادی از مهاجران مورد مطالعه از نظر پایگاه اجتماعی نسبت به زمان پیش از مهاجرت به شهر تغییر پایگاهی نداشته‌اند و در همان پایگاه اجتماعی پیشین خود قرار داشتند. مهاجرانی که از نظر پایگاه اجتماعی نسبت به زمان پیش از مهاجرت، تنزل پایگاه داشته‌اند، کمترین تعداد از پاسخگویان بوده‌اند. بیشتر پاسخگویان (۷۱/۷ درصد) دارای میزان سرمایه اجتماعی متوسط و کمترین تعداد از آنها (۱۲/۹ درصد) از سرمایه سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار بودند. ابعاد درونی این متغیر نیز از توزیع همانند متغیر سرمایه اجتماعی برخوردارند و سطح متوسط این ابعاد بیشترین پاسخگویان را به خود اختصاص داده‌اند. این وضعیت نشان دهنده وضعیت بینابینی سرمایه اجتماعی و ابعاد تشکیل دهنده آن در بین مهاجران روستا- شهری است.

جدول ۲- توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب متغیرهای مورد بررسی

متغیرها	سطح متغیرها	فراوانی	درصد
سن پاسخگویان	۲۰ تا ۳۵	۱۱۰	۳۰/۲
	۳۶ تا ۵۰	۱۸۵	۵۰/۸
	۵۱ تا ۶۵	۶۱	۱۶/۷
	۶۶ و بالاتر	۸	۲/۳
	کل	۳۶۴	۱۰۰
سطح تحصیلات	بی‌سواد	۳۷	۱۰/۲
	ابتدایی	۴۸	۱۳/۲
	راهنمایی	۱۸	۴/۹
	متوسطه	۶۴	۱۷/۶
	کاردانی	۷۴	۲۰/۳
	کارشناسی	۱۰۰	۲۷/۵
	کارشناسی ارشد و دکتری	۲۳	۶/۳
کل	۳۶۴	۱۰۰	
وضعیت تحرک اجتماعی	نزولی	۳۲	۸/۸
	بدون تحرک	۲۴۰	۶۵/۹
	صعودی	۹۲	۲۵/۳
	کل	۳۶۴	۱۰۰
میزان سرمایه اجتماعی	پایین	۵۶	۱۵/۴
	متوسط	۲۶۱	۷۱/۷
	بالا	۴۷	۱۲/۹
	کل	۳۶۴	۱۰۰

(منبع: محاسبات نویسنندگان، ۱۳۹۸).

با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون ($r=0/429$) و سطح معنی‌داری ($0/000$) بین تحرک اجتماعی و سرمایه اجتماعی مهاجرین روستا - شهری رابطه‌ی معنادار و مستقیمی وجود دارد؛ به عبارت دیگر، مهاجرین با سرمایه اجتماعی بالا، تحرک اجتماعی بالاتری را کسب کرده‌اند؛ و برعکس، هر چه سرمایه اجتماعی مهاجرین پایین‌تر باشد، تحرک اجتماعی پایین‌تری را کسب کرده‌اند. با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون ($r=-0/186$) و سطح معنی‌داری ($0/000$) بین تحرک اجتماعی و سن مهاجرین روستا- شهری رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. بدین معنی که مهاجرین جوان از میزان تحرک اجتماعی بیشتری برخوردار شده‌اند و بیش از افراد با سنین بالا دارای تحرک اجتماعی صعودی بوده‌اند.

جدول ۳- آزمون همبستگی پیرسون بین تحرک اجتماعی و متغیرهای سرمایه اجتماعی و سن پاسخگویان

متغیر مستقل	تعداد پاسخگویان	ضریب همبستگی پیرسون R	سطح معنی‌داری $sig.$
وضعیت تحرک اجتماعی و سن	۳۶۴	-۰/۱۸۶	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی (کل)	۳۶۴	۰/۲۳۴	۰/۰۰۰

(منبع: محاسبات نویسنندگان، ۱۳۹۸).

نتایج آزمون تحلیل واریانس مطالعه نشان داد تفاوت معناداری بین میزان تحرک اجتماعی پاسخگویان با توجه به سطح تحصیلات آنها وجود دارد. بر اساس نتایج این آزمون، مهاجرین با تحصیلات کارشناسی و بالاتر بیشترین میزان تحرک اجتماعی پس از مهاجرت را داشته‌اند. آزمون تعقیبی شفه برای وضعیت تفاوت معناداری بین سطوح مختلف تحصیلی انجام شد. مقایسه میانگین پاسخگویان نشان داد

مهاجرین با سطح سواد کارشناسی ارشد و دکتری بالاترین میانگین نمره (۵۸/۲۱۷۴) را کسب کرده‌اند. نتایج آزمون تعقیبی نشان داد که بین سطوح تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری با سطوح تحصیلات بی سواد، متوسطه و کاردانی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۴- آمار توصیفی و تحلیلی پاسخگویان بر حسب سطح سواد

Sig.	F	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	سطح سواد
۰/۰۰۱	۳/۹۰۵	۶/۶۸	۵۱/۲۱	۳۷	بی سواد
		۵/۰۷	۵۳/۷۰	۴۸	ابتدایی
		۵/۲۸	۵۴/۷۷	۱۸	راهنمایی
		۶/۴۸	۵۱/۸۵	۶۴	متوسطه
		۶/۴۷	۵۲/۸۳	۷۴	کاردانی
		۶/۶۴	۵۳/۳۴	۱۰۰	کارشناسی
		۴/۷۲	۵۸/۲۱	۲۳	کارشناسی ارشد و دکتری
		۶/۳۷	۵۳/۱۸	۳۶۴	کل

منبع: محاسبات نویسندگان، ۱۳۹۸.

برای تبیین متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل از رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شد و برای نشان دادن نقش ابعاد سرمایه اجتماعی، افزون بر متغیر سرمایه اجتماعی (به صورت کل)، ابعاد آن نیز برای ارزیابی نقش هر کدام در تبیین متغیر وابسته، مورد آزمون قرار گرفتند. برابر نتایج آزمون، در مرحله ۵ متغیرهای سرمایه اجتماعی، سطح تحصیلات و بعد اعتماد بین شخصی سرمایه اجتماعی، سن و بعد تعامل اجتماعی سرمایه اجتماعی وارد معادله رگرسیونی شدند و توانستند ۲۶/۱ درصد از تغییرات میزان تحرک اجتماعی مهاجرین روستا- شهری پس از مهاجرت را تبیین کنند. نتایج نشان داد که متغیر سرمایه اجتماعی (به صورت کل) تأثیر بیشتری بر تحرک اجتماعی افراد دارد و به عنوان یک پیش‌بینی کننده قوی می‌باشد. این متغیر به تنهایی ۱۸/۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته (میزان تحرک اجتماعی مهاجرین) را تبیین می‌کند.

جدول ۵- نتایج آزمون تحلیل رگرسیون چند متغیره مؤثر بر تحرک اجتماعی مهاجرین روستا - شهری

مدل	Beta	B	T	Sig	R	R ²	R ² adj	F	Sig
سرمایه اجتماعی	۰/۲۷۷	۰/۲۹۲	۴/۳۹۴	۰/۰۰۰	۰/۴۲۹	۰/۱۸۴	۰/۱۸۲	۸۱/۷۵۶	۰/۰۰۰
سطح تحصیلات	۰/۱۷۰	۰/۰۵۲	۳/۳۵۸	۰/۰۰۱	۰/۴۸۲	۰/۲۳۳	۰/۲۲۸	۵۴/۶۹۹	۰/۰۰۰
اعتماد بین شخصی	۰/۱۴۸	۰/۱۳۸	۲/۴۸۸	۰/۰۱۳	۰/۴۹۸	۰/۲۴۸	۰/۲۴۲	۳۹/۶۲۹	۰/۰۰۰
سن	-۰/۱۲۹	-۰/۰۹۵	-۲/۵۵۷	۰/۰۱۱	۰/۵۱۲	۰/۲۶۲	۰/۲۵۴	۳۱/۸۶۴	۰/۰۰۰
تعامل اجتماعی	۰/۱۱۴	۰/۱۰۷	۲/۰۹۶	۰/۰۳۷	۰/۵۲۱	۰/۲۷۱	۰/۲۶۱	۲۶/۶۱۱	۰/۰۰۰

منبع: محاسبات نویسندگان، ۱۳۹۸.

نتیجه گیری و ارائه پیشنهادها:

سبک زندگی شهرنشینی به عنوان پدیده‌ای دیرپا، در دهه‌های اخیر تحولی نو یافته و بیش از گذشته به جذب جمعیت مهاجر از مناطق روستایی به مناطق شهری یاری رسانده است. تحولات در سبک زندگی مهاجران شهرنشین، خود پدیده اجتماعی دیگری است که همراستا با افزایش شهرنشینی گستره بیشتری نسبت به گذشته پیدا نموده است. تحرک اجتماعی از مباحث و مفاهیم عمده و کلیدی در عرصه قشریندی اجتماعی است و در دوران نوین و همراستا با دگرگونی‌های گسترده در وضع فعالیت، آموزش و سبک زندگی شهری هم دچار دگرگونی‌هایی شده و هم بیش از گذشته مورد توجه پژوهشگران و

اندیشمندان اجتماعی قرار گرفته است. در این مقاله، تحرک اجتماعی سرپرست خانوار مهاجرین روستا - شهری، شهرهای یاسوج و مادوان در پیوند با سرمایه اجتماعی، سطح تحصیلات و سن پاسخگویان مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج تحقیق حاضر نشان داد میزان تحرک اجتماعی مهاجران روستا- شهری شهرهای مادوان و یاسوج با متغیر سرمایه اجتماعی آنها رابطه‌ی مثبت و معنادار دارد. مهاجران با سرمایه اجتماعی بیشتر، احتمال تحرک اجتماعی (صعودی) بیشتری دارند. چنین یافته‌ای با دیدگاه بوردیو (Bourdieu, 1984, 2016)، سازگاری دارد. بوردیو سرمایه اجتماعی را به عنوان عنصر مهم و تعیین‌کننده در رقابت‌های اقتصادی و اجتماعی و کنش طبقاتی افراد می‌داند. سرمایه اجتماعی دربردارنده ابعادی چون اعتماد اجتماعی، هنجارمندی اجتماعی، شبکه ارتباطات و تعامل اجتماعی، همیاری اجتماعی و انسجام اجتماعی است. در بین مهاجران نیز این عناصر ارتباطی و اجتماعی سرمایه اجتماعی اهمیت بنیادین دارد. مهاجرانی که از منطقه روستائی به شهر مهاجرت می‌کند، در صورت قرارگرفتن در مدار ارتباطات اجتماعی و داشتن اعتماد، هنجارمندی و دریافت همیاری اجتماعی می‌توانند فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی را تجربه نمایند که به تغییر در موقعیت اجتماعی و اقتصادی آنها بیانجامد. روستائیان به سبب روحیه سنتی خود، در مکان مقصد تا اندازه زیادی تعامل و همگرایی محلی خود را حفظ می‌کنند و سعی می‌کنند هم در کاستن از مشکلات و هم فراهم‌سازی فرصت‌های نوین اقتصادی و اجتماعی به یکدیگر یاری رسانند؛ اگرچه در برخی از موارد این محلی‌گرایی خود در تضاد با سرمایه اجتماعی جامعه‌وی قرار می‌گیرد و گونه‌ای از سرمایه اجتماعی محلی‌گرایانه با رنگ و بوی تعصب در تعاملات انسانی چنین مناطقی نقش‌آفرین می‌شوند. یافته این مطالعه با نتایج مطالعات (Zare and Ejtehad, 2007) (Latifi, 2013, 2015)، (Fakhræi and Abdi, 2012) و (Ghafari, 2017) همخوانی دارد. بین میزان تحرک اجتماعی مهاجران با سطوح مختلف تحصیلی تفاوت معناداری وجود داشت و افراد با تحصیلات بالاتر از تحرک اجتماعی بیشتری برخوردار بوده‌اند. تحصیلات خود به عنوان یکی از سرمایه‌های فرهنگی نهادینه شده و از عناصر پایگاه اقتصادی- اجتماعی افراد می‌باشد. تحصیلات بالا زمینه توانمندی و آشنایی افراد با عرصه‌های جدید فعالیت در جامعه را فراهم می‌سازد، بنابراین همانگونه که دیدگاه یادگیری اجتماعی تأکید می‌نماید در پرتو جامعه‌پذیری افراد می‌توانند به کنشگران اجتماعی تبدیل شوند. نتایج این مطالعه با نتایج مطالعه زارع و لطیفی (Zare and Latifi, 2013)، همخوانی دارد. بین تحرک اجتماعی و سن مهاجرین روستا شهری رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد. جوانان به عنوان کنشگرانی که بیشتر با عناصر و ویژگی‌های دوران نوین آشنایی دارند، از تحصیلات بالاتری نسبت به مهاجران با سنین بالا برخوردارند و آرمان و اهداف رو به آینده‌ای دنبال می‌کنند، احتمال تجربه موفقیت‌های اقتصادی و اجتماعی و تحرک اجتماعی بیشتری دارند. یافته‌های این مطالعه با نتایج مطالعه فخرایی و عبدی (Fakhræi and Abdi, 2012) درباره رابطه بین سن و میزان مهاجرت همخوانی دارد. جوانان بیشتر به مهاجرت روی می‌آورند و همانها نیز احتمال تحرک اجتماعی بیشتری دارند. متغیرهای سرمایه اجتماعی، سطح تحصیلات و سن به عنوان متغیرهای مستقل توانسته‌اند ۲۶/۱ درصد از تحرک اجتماعی مهاجرین روستا - شهری را پیش‌بینی کنند. این میزان تبیین در حد متوسطی است و در مقایسه با میزان تبیین مطالعات دیگر (Zare and Latifi, 2013, 2015)، از ضریب تبیینی بالاتری برخوردار است. نتیجه اینکه مهاجران روستا- شهری با سرمایه اجتماعی و تحصیلات بالا به ویژه مهاجران جوان از تحرک اجتماعی بیشتری به ویژه تحرک صعودی برخوردارند. با توجه به نتایج این مقاله، پیشنهاد می‌گردد ویژگی‌های سرمایه اجتماعی جامعه- محور در مناطق مهاجرپذیر تقویت شود. مهاجرت‌های گسترده با وجودی که تأثیر زیادی بر مکان‌های مبدأ و مقصد دارند، کمتر در سرشماری‌ها مورد پایش قرار می‌گیرند و با سئوال‌ات اندک کنونی که در پرسشنامه‌های سرشماری بکار گرفته شده است، شناخت تحلیلی کافی بدست نمی‌آید. بنابراین، پیشنهاد می‌شود ضمن گنجاندن پرسش‌های مناسب در سرشماری‌ها؛ پیمایش‌های ملی درباره مهاجرت در مناطق جغرافیایی مختلف کشور انجام گیرد.

References:

1. Ashraf, A Banoazizi, A (2008): *Social Classes, State and Revolution in Iran. Translated to Persian language by Soheyla Torabi Farsani, Niloufar Publication, Tehran.*
2. Azdanloo, H (2007). *The Basic Concepts of Sociology, second edition, Ney Publications, Tehran.*

3. Bourdieu, P. (1984) *Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste*, 1st Edition. London: R. K. Translated to Persian language by Hassn Chavoshian, (2016) Saless Publications, Tehran.
4. Bourdieu, P. (2016). "Capital forms" in *Social capital, Democracy and Development*, by Kian Tajbakhsh, Translated to Persian by Afshin Khakbaz and Hassn Pouyan, Shirazh Publications, Tehran.
5. Charney, A. H. (1993): "Migration and public sector: A survey, Alberta", *Regional Study*, 27 (4): 313-326.
6. Cohen, B J (2007). *Introduction to Sociology 9th edition*, McGraw-Hill, Inc. translated to Persian by Mohsen Solathi, Tootia Publications, Tehran.
7. Cui, C (2015), " Residential Mobility of Skilled Migrants in Nanjing, China", *Asian and Pacific Migration Journal*, 47(3): 625-642.
8. Ejtehadi, Mostafa (2007): "Social Capital", *The Journal of Literature and Humanities Research*, 53: 4-12.
9. Fakhraei, S.; Abdi, M. (2012). "The Study of effective Factors in the Migration of villagers to Miandoab in 2010", *The Journal of Sociology Studies*, 4 (13): 33-46.
10. Fielding, A.; Halford, S. (1993): "Geographies of Opportunity: A Regional Analysis of Gender-Specific Social and Spatial Mobilities in England and Wales, 1971-81", *Environment and Planning- A: Economy and Space*, 25 (10): 1421-1440.
11. Ghafari, Z (2017). " The Impact of Embodied Cultural Capital (Subjective) on Intergeneration Social Mobility (Case Study: 30-54 Year-Old Citizens in Gorgan) " *Quarterly Journal of Social Development*, Volume 11, Issue 4 - Serial Number 44, Summer 2017, Pages 183-206, Doi: 0.22055/qjds.2017.13011.
12. Giddens, A (1998). *Sociology*. Cambridge: Polity. Translated to Persian by Manouchehr Saboori, Ney Publications, Tehran.
13. Hosseini, Gh; Sadeghi, R, Ghasemi Ardahali, A; Rostamalizadeh, V (2018), " Trends and Patterns of Internal Migration in Iran", *Journal Management System*, 8(31): 1-18.
14. Iran Statistics Center (2011). *Inner Migrations on County based according to Public National Census Results, 2011*, Iran Statistics Center, Tehran.
15. Iran Statistics Center (2016). *Annual Statistics Report, 2016*, Iran Statistics Center, Tehran. Available at: <https://www.amar.org.ir>.
16. Jamshidi, M K; Mohamadi yegane, B; Hosseinzadeh, A (2019). " An Analysis of the Effective Influences on Development and Its Role in Emigration", *Journal Management System*, 8(32):11-22.
17. Kazemi, N. (1996). "Learning and responsibility", *Quarterly Journal of Education*, 110: 104-107.
18. Krejcie, R.V., & Morgan, D.W., (1970): "Determining Sample Size for Research Activities", *Educational and Psychological Measurement*. 30: 607-610.
19. Lahsaeizadeh, A (1998). *Social Inequality and Stratification*, Shiraz University Publications, Shiraz.
20. Lee, E S. (1966). "A Theory of Migration", *Demography*, 3(1): 47-57
21. Lu, M. (1998): "Analyzing migration decision-making: Relationships between residential satisfaction mobility intention and moving behavior", *Environment and Planning- A: Economy and Space*, 30 (8): 1473-1495.
22. Malek, H (2009). *Sociology of Stratifications and Social Inequality*. Payam Noor publications, Tehran.
23. Mirehei, M; Hossieni, A; Samadi, S (2018). " Analyzing the changes in the pattern of urban systems of Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad Province", *Quarterly of Geography (Regional Planning)*, 7(2): 41-58.
24. Mirfardi, A; Mokhtari, M; heidari, A; Daneshpazir, H (2014). "A Study of the Effect of Social Capital on the Tendency of Tourists in Visiting a Place (Case Study: city of Yasouj)", 3(10): 106-125.

25. Mirfardi, A; Valinezhad, A (2018). "Socio-Strategic Analysis of the Relationship between National Identity and Social Capital of Students in Yasouj University", *Social Capital management*, 5(1): 67-90.
26. Mobaraki, M; Ghaemi Zadeh, M.; Mahmodzadeh, M (2017). *Modernization or Social reproduction (A study on stratification and social mobility)*, "The Sociological analysis of Social Factors Influencing Intergenerational Social Mobility in Kermanshah", *Social Analysis of Order and Inequality*, 9 (1 Serial n. 72): 81-114.
27. Moghadas, A A; Iran Mahboub, J (2006). "Social Classes and Mobility in Fars Cities and Bushehr", *Quarterly Iranian Journal of Social Studies*, 1 (1): 201-234.
28. Mohseni, M (1997) *An Introduction of Sociology, 14th edition*, Dowran Publications.
29. Nickgohar, A H (1990). *An Introduction to Sociology 2nd edition*, Tehran: Rayzan Publications, Tehran.
30. Noroozi, H (2019). "The study of various dimensions of Yasouj city vertical development and its impact on the periphery agriculture lands (using Shanon's Anthropic model and Moran's coefficient", 8(32):81-92.
31. Ritzer, G. (1988). *Contemporary Sociological Theory*, Mc Graw-Hill Publishing Company.
32. Salimi, A; Davari, M (2008). *Deviance Sociology 2ed edition*, Research Institute of Hawzah and University Publications, Qom.
33. Shubin, S (2013), " Integration and Mobility of Eastern European Migrants in Scotland", *Asian and Pacific Migration Journal*, 45 (12): 2959-2979.
34. Taghavi, Neamatollah (1992): *Rural-Urban Migrations: A sociological Introduction on Theories*. Setoudeh Publications, Tabriz.
35. Tayebi Nia, M (2009). "Consequences of Migration of Families to the City of Tehran", *Urban Regional Studies and Research*, 1 (1): 143-164.
36. Tian, M.; Xu, L. (2015): "Investigating the job mobility of migrant workers in China", *Asian and Pacific Migration Journal*, 24(3): 353-375.
37. Tumin, M (1984). *Social Stratification: The Forms and Functions of Inequality (2nd Edition)*, Prentice-Hall; 2nd edition.
38. Vothoughi, M (2005). *Sociology of Rural Social and Cultural Problems, Iran Municipalities and Rural Assistants Organization Publications*, Tehran.
39. Zare, B; Latifi, M (2015). "An Examination of Social Factors Influencing Intergenerational Social Mobility in Kermanshah", *Social analysis of order and social inequality*, 7 (1): 37-66.
40. Zare, B; Latifi, M (2013). "An Examination of Social Factors Influencing Intergenerational Social Mobility in Kermanshah", *Journal of Social Problem of Iran*, 4(1): 113-139.

Research Paper

The Measurement of Social mobility of Rural-Urban Migrants and its Relationship to social capital (The case of Study, Yasouj and Madevan Cities)

Asgar Mirfardi: ¹Associate Prof. of Sociology, Sociology and Social Planning Department, Shiraz University, Shiraz, Iran

Arman Haidari: Assistant Prof. of Sociology, Sociology Department, Yasouj University, Yasouj, Iran

Mostafa Amini Khoo: Graduate Student of Sociology, Sociology Department, Yasouj University, Yasouj, Iran

Received: 2018/8/11

pp: 137- 140

Accepted: 2019/4/30

Abstract

Having expectation for improving socio-economic situations, rural migrants migrate from their main residence to other regions. The social mobility of migrants in purposive place is one of important debates in migration and social stratification. This research investigated the social mobility status of rural-migrants that entered to Yasouj and Madevan cities during 5 past years. Using survey method, self-administrated questionnaire was used for collecting data. The Krejcie and Morgan's sample table (1970), was used for sample size (364 cases) determination and clustering and snow-bulling methods were used for sample selection. Face validity and Cronbach Alpha (social capital= 0.90, social mobility= 0.88) were used for validity and reliability evaluation, respectively. Using SPSS software, multiple regression, Pearson Correlation, and ANOVA were used for data analysis. Findings showed that there is significant and direct relationship between social mobility and social capital of rural-urban migrant, and there is significant difference in social mobility according migrants' education. but there is significant and indirect relationship between social mobility and age of urban-rural migrants. Multiple regression showed that social capital, education level and age can explain 26.1% of the social mobility variance of rural-urban migrants. As a result, rural-urban migrants with more social capital and education level, especially youth migrants, have more upward vertical social mobility.

Key words: Social mobility, Social capital, Rural-urban migration, Yasouj.

Extended Abstract

Introduction:

Immigration is nowadays recognized as an important phenomenon in the distribution and composition of populations in different regions. Migration, especially rural-urban migration, is one of the factors contributing to the growth of urban population, and this rate is higher in developing countries than in developed countries. According to some studies, the rate of rural-urban migration in each regional hub has an inverse relationship with the level of development of that region or country (Jamshidi et al., 2018). Social mobility refers to the movement of individuals or families from one dignity or class to another dignity or social class (Azadanloo, 2007: 176), which can be horizontal and vertical, or intergenerational and intergenerational. Immigrants migrate to other areas with the expectation of an improved economic and social situation. Various theories on migration (Lee, 1966; Taghavi, 1992) have been presented and various studies on migration and especially rural-urban

¹. Corresponding author: Email: Amirfardi@shirazu.ac.ir, Tel: +989173220912

migration in the interior (Malek, 2009; Iran Statistics Center, 2011; Mirayai et al., 2017; Ghaffari, 2017; Zare and Latifi, 2015; Hosseini et al, 2018) and overseas (Charney, 1993; Felding & Halford, 1993; Lu, 1998; Shubin, 2013; Cui, 2015; Tian and Zhou, 2015). According to Ashraf and Benoazizi narratives, Iranian society experienced significant and significant changes in social mobility and individual mobility across the class pyramid of its population between the early 1920s and the end of the 1970s (Ashraf & Benoazizi, 2008). The social mobility of immigrants at their destination is an important topic in immigration and social stratification. The city of Yasouj, as the capital of this province, is one of the cities that have been heavily influenced by the executive policies of the Islamic Republic since the Islamic Revolution, and especially since 1986, its population and urban area have greatly increased (Noroozi, 2019). Yasouj enjoys a high tourist attraction (Mirfirdi et al., 2014) and as the center of the province, it holds important and comprehensive educational and academic centers in the province (Mirfirdi and Vali Nezhad, 2018). The two cities of Yasouj and Madawan are among the toddlers that have experienced an increasing migration trend in recent years. In this study, the social mobility status of rural-urban immigrants entering Yasouj and Madawan cities over the last 5 years was studied with respect to social capital variables and demographic variables such as age and education.

Methodology:

This study considers the purpose and nature of the research in the category of applied research. In this research, a survey method was used to collect the required information. The statistical population of the present study was household heads (caregivers who are over 18 years of age and able to answer research questions) of rural immigrants who arrived in Yasouj and Madawan during the past ten years with at least five years of their migration. Using survey method, self-administrated questionnaire was used for collecting data. The Krejcie and Morgan's sample table (1970), was used for sample size (364 cases) determination and clustering and snow-bulling methods were used for sample selection. Face validity and Cronbach Alpha (social capital= 0.90, social mobility= 0.88) were used for validity and reliability evaluation, respectively. Using SPSS software, multiple regression, Pearson Correlation, and ANOVA were used for data analysis.

Results and discussion:

The respondents ranged in age from 23 to 93 years; their mean age was 41.42 years and its standard deviation was 10.45 years. The least (8.8%) of the respondents had descending social mobility and most of them (65.9%) had no social mobility, 25.3% of them had ascending social mobility. In other words, a large proportion of the immigrants studied did not have a social base status prior to migration to the city and were in the same social base as before. Immigrants who were degraded in social status compared to pre-migration were the least number of respondents. Most of the respondents (71.7%) had moderate social capital and the least (12.9%) had high social capital. The internal dimensions of this variable have the same distribution as the social capital variable and the average level of these variables has the most respondents. This situation reflects the intermediate status of social capital and its constituent dimensions among rural-urban immigrants. The results of this study showed that social mobility has a significant positive relationship with social capital variable of rural-urban immigrants and there is a significant difference with regard to their level of education, but there is a significant and inverse relationship between social mobility and age of urban rural migrants. Bourdieu (2016) sees social capital as an important and decisive element in economic and social competition and class action. Social capital encompasses aspects such as social trust, social norms, communication and social interaction networks, social assistance, and social cohesion. Among the immigrants, these communication and social elements of social capital are of fundamental importance. Immigrants who migrate from rural to urban areas can experience economic and social activities that lead to changes in their socio-economic status if they are placed in the social communication circuit and have trust, norms and social assistance. Multiple regression showed that social capital, education level and age can explain 26.1% of the social mobility variance of rural-urban migrants.

Conclusion:

As a result, rural-urban migrants with more social capital and education level, especially youth migrants, have more upward vertical social mobility. Young people, as actors more familiar with the elements and characteristics of modern times, are more educated than older immigrants and pursue future aspirations, are more likely to experience economic and social success and social mobility.

